فصلنامه علمی
مطالعات حقوق بشر اسلامی

تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در ایران، سازوکارها و الزامات

علی اکبر طارمی [1]

۳۹
دوره ۱٤، شماره ٤، پیاپی ۳۹
زمستان ۱٤۰٤
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱٤۰٤-۰۲-۰۸
تاریخ پذیرش:
۱٤۰٤-۱۰-۱۷
صص: ۸۷-۷۵
شاپا چاپی: ۵۶٤۵-۲۳۲۲
رتبه علمی
ب
بررسی صحت گواهی در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

حقوق و آزادی‌های مشروع، از ارکان مهم نظام‌های حقوقی برای مردم محسوب می شوند. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، و با تاکیداتی بنیانگذار فقید انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و نیز رهبران فکری انقلاب داشتند، این حقوق و آزادی های مشروع به صراحت در قانون اساسی و قوانین عادی به رسمیت شناخته شده‌اند. در این مقاله به برر سی سازوکارهای حقوقی، سیا سی و نهادی تأمین و ت ضمین این حقوق پرداخته و الزامات تحقق آن را تحلیل خواهیم کرد. در این میان تلاش می شود، با روش توصیفی-تحلیلی و نیز بهره گیری از منابع متقن کتابخانه‌ای، به ارزیابی و آسیب شناسی راه طی شده و مسیر پیش رو پرداخت. این پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم وجود چارچوب‌های حقوقی قوی و نیز مبانی نظری و اندیشه ورزانه قابل اتکاء، چالش‌هایی در اجرای کامل حقوق و آزادی های مشروع وجود دارد که نیازمند اصلاحات ساختاری و تقویت نهادهای نظارتی است.

کلیدواژه‌ها:

حقوق ملت، آزادی‌های مشروع، قانون اساسی، نظارت و تضمین حقوق، حقوق بشر

۱. گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران، taremi1356@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

حقوق ملت و آزادی‌های مشـــروع به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مبانی نظام‌های حقوقی و ســـیاســـی، همواره مورد توجه اندیشمندان و قانون‌گذاران بوده است. در ایران نیز این موضوع جایگاهی ویژه دارد و مصداق عینی آن را می توان در مطالبه قانون و تحقق آن در دو مقطع تاریخی مشروطه و انقلاب اسلامی یافت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم، طیف وسیعی از حقوق ملت و آزادی‌های مشروع را به رسمیت شناخته و دولت را موظف به پاسداری و تضمین آن‌ها نموده است. اهمیت این حقوق از آن جهت اســـت که تحقق عدالت، امنیت اجتماعی و توســـعه پایدار بدون رعایت و تأمین آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

با وجود این، تجربه تاریخی و وضعیت کنونی کشور نشان می‌دهد که صرف شناسایی حقوق در قانون اساسی یا اسناد بالادستی کافی نیست، بلکه وجود سازوکارهای مؤثر حقوقی، نهادی و اجرایی برای تضمین و حمایت از این حقوق ضرورت دارد. در واقع، چالش اساسی آن است که چگونه می‌توان از مرحله شناسایی حقوق در متون قانونی به مرحله اجرای واقعی و مؤثر آن‌ها در زیست اجتماعی و سیاسی مردم گذر کرد.

بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که تحقق این هدف نیازمند مجموعه‌ای از الزامات است؛ از جمله وجود قوانین شفاف و منطبق با اصول حقوق بشری، نظارت نهادهای مستقل، تضمین حق دادخواهی شهروندان و پاسخگویی مسئولان. همچنین نهادهای حاکمیتی همچون مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، قوه مجریه، شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری هر یک نقشی اساسی در تأمین و تضمین حقوق ملت ایفا می‌کنند و بدون عملکرد هماهنگ و مؤثر آن‌ها، حقوق شهروندی در معرض آسیب قرار خواهد گرفت.

بر این اســاس، مقاله حاضــر در پی آن اســت که با بررســی ســازوکارهای قانونی و نهادی موجود در ایران، الزامات لازم برای تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع را تحلیل کرده و به این پرسش پاسخ دهد که چه اصلاحات و تدابیری می‌تواند موجب ارتقای سطح حمایت از این حقوق در کشور گردد. امید است این پژوهش بتواند با تبیین نقاط قوت و ضعف وضع موجود، گامی در جهت تقویت نظام حقوقی و تحقق عملی آزادی‌های مشروع در ایران اسلامی باشد.

مبانی نظری و مفهومی

۱. تعریف مفاهیم کلیدی

الف) حقوق ملت:

حقوق ملت مجموعه‌ای از حقوق اساسی و بنیادین است که برای هر شهروند در چارچوب نظام سیاسی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود. این حقوق شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و بر مبنای اصل کرامت انسانی شکل گرفته‌اند. در ایران، فصل سوم قانون اساسی به‌طور مستقیم به این حقوق پرداخته و آزادی بیان، آزادی اجتماعات، حق دادخواهی،

حق انتخاب شغل و سایر آزادی‌ها را تضمین کرده است. بنابراین، حقوق ملت در نظام حقوقی ایران هم جنبه حقوقی–نهادی دارد و هم جنبه عملی–اجرایی.

ب) آزادی‌های مشروع:

آزادی‌های مشروع به معنای بهره‌مندی افراد از آزادی‌های فردی و اجتماعی در چارچوب قانون و ارزش‌های اساسی جامعه است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این آزادی‌ها مشروط به رعایت مبانی اسلامی و عدم نقض حقوق عمومی و خصوصی دیگران شده‌اند. بنابراین، آزادی «مطلق» تلقی نمی‌شود، بلکه نسبی و مقید به اصول و ارزش‌های حقوقی، اخلاقی و دینی است. این امر تفاوتی مهم میان نظام حقوقی ایران و بسیاری از نظام‌های لیبرال غربی ایجاد می‌کند.

ج) تأمین و تضمین حقوق:

تأمین به معنای شناسایی و فراهم‌سازی بسترهای قانونی، نهادی و فرهنگی برای بهره‌مندی شهروندان از حقوق خویش است. تضمین نیز به معنای پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی و نظارتی برای جلوگیری از نقض حقوق و امکان جبران خسارت در صورت تضییع آن‌هاست. به عبارت دیگر، تأمین جنبه «ایجابی» و تضمین جنبه «سلبی و حمایتی» دارد و تنها در کنار یکدیگر می‌توانند زمینه تحقق عملی حقوق ملت را فراهم آورند.

۲. جایگاه حقوق ملت در اندیشه سیاسی و حقوق عمومی

اندیشه‌های مختلف سیاسی و حقوقی، مبانی متفاوتی برای تبیین حقوق ملت ارائه کرده‌اند. در اندیشه لیبرالیستی، حقوق و آزادی‌های فردی مقدم بر دولت بوده و حکومت صرفاً نهادی برای پاسداری از این حقوق است. بنابراین، دولت محدود به قانون و نظارت مردمی است. در مقابل، در اندیشه اسلامی، کرامت انسانی مبنای حقوق ملت است اما آزادی‌ها در چهارچوب ارزش‌های دینی معنا می‌یابند. از نگاه اسلام، انسان موجودی مختار است اما آزادی او باید با عدالت، مصالح عمومی و شریعت هماهنگ باشد.

در حقوق عمومی مدرن نیز اصولی همچون حاکمیت قانون، تفکیک قوا، و نظارت عمومی، ابزارهای اصلی برای تحقق حقوق ملت هستند. این اصول در نظام حقوقی ایران نیز انعکاس یافته و در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته‌اند.

۳. مبانی دینی و فقهی

اسلام با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، حقوق بنیادینی را برای او به رسمیت می‌شناسد. آیه شریفه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) مبنای اصلی حقوق انسانی در اندیشه اسلامی است. افزون بر آن، قواعد فقهی همچون «لاضرر»، «الناس مسلطون علی اموالهم»، و «العدل اساس الملک» نشان می‌دهد که پاسداری از حقوق مردم در فقه اسلامی جایگاهی ویژه دارد.

در اندیشه سیاسی معاصر ایران نیز، امام خمینی(ره) و سایر فقها بر ضرورت حفظ حقوق مردم در چارچوب نظام اسلامی تأکید کرده‌اند. بدین ترتیب، از منظر فقه اسلامی، آزادی‌های مشروع و حقوق ملت نه تنها قابل انکار نیستند بلکه جزو وظایف اصلی حاکمیت در قبال شهروندان محسوب می‌شوند.

مهم‌ترین وظایف حاکم اسلامی در این زمینه به قرار ذیل است:

۱ -حفظ کرامت انسانی :

ا صل کرامت و عزت ان سانی از مهمترین حقوق شهروندی ا ست که حاکم ا سلامی موظف ا ست در جهت تحقق آن سیاست‌ها و تدابیر لازم را اتخاذ کند.

کرامت انسانی بر دونوع است:

الف: **کرامت تکوینی**: منظور از کرامت تکوینی، همان است که خداوند در زمان خلقت به انسان‌ها اعطاء نموده است.

قرآن کریم در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسرا، صراحتا به این موضوع اشاره نموده که انسان صاحب کرامت بوده و گرامی داشته شده است و خداوند منشاء این کرامت را الهی می‌داند.

" وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِیلاً "

به راستی فرزندان آدم را کرامت دادیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم سوار کردیم و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

ب: **کرامت اکتسابی**: مراد از کرامت اکتسابی حفظ صفات کریمانه می‌با شد یعنی کسب فضیلت‌هایی که بر ارزش سابق انسان می‌افزاید. باید گفت این ویژگی از اهمیت مضاعفی نسبت به کرامت تکوینی برخوردار است؛ چراکه در پی تلاش و کوشش انسان در مسیر تعالی و حق به دست می‌آید. همچنان که خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ» همانا گرامی‌ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست.

۲ – حق حیات:

حیات، نخستین حقی است که خداوند متعال برای هر انسانی فارغ از فرهنگ، ملیت، نژاد و زبان در نظر گرفته است. این حق به معنای بهره‌مند شدن از تمام مواهبی است که خداوند متعال به انسان‌ها عنایت فرموده است.

حساسیّت بالای مسأله حیات و سلامت جسمانی تمامی ا شخاص جامعه، به گونه‌ای ا ست که عقل مستقلاً بر ضرورت احتیاط در اقداماتی که می‌تواند به آن آ سیب بزند حکم نموده و سیره مستمر عقلاء بر این حکم صحه نهاده ا ست. روح حاکم بر شـریعت اسـلامی نیز هم‌سـو با عقل بر رعایت «احتیاط در دماء» در واکنش کیفری در برابر بزهکاران اهتمام ویژه دارد. همین مبنا موجب شده ا ست تا فقها در ابواب فقه جزایی با اعمال مبنای احتیاط رویکردی حداقلی را در تجویز احکام علیه تمامیت جسمانی اتخاذ نمایند.

از نگاه قرآن کریم حق حیات از اهمیت و قدا ست خا صی برخوردار بوده و هرگونه تلاش در جهت سلب یا کاهش آن با مجازات‌های دنیوی و اخروی روبرو اسـت. موید این امر آیه ۳۲ سـوره مبارکه مائده اسـت که می‌فرماید: «مِنْ أَجْلِ ذلِکَ کَتَبْنا عَلی بَنِی إِسْرائِیلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسادٍ فِی الْأَرْضِ فَکَأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعاً وَ مَنْ أَحْیاها فَکَأَنَّما أَحْیَا النَّاسَ جَمِیعاً» ... بر

بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد چنان است که گویی همه انسانها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را نجات داده است.

۳ – حق عدالت :

قوام حقیقت حیات انسانی به اصل عدالت است. دادگری همانند اصل توحید ریشه در نظام تکوین دارد، همچنان که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بِالْعَدْلِ قامَتِ السَّماواتُ وَ الأَرْضُ» یعنی اینکه آسمانها و زمین، با عدالت، پا برجا می‌مانند. بنابراین نادیده انگاشتن قسط و عدل، مخالفت با نظام طبیعی و اهتمام به آن هماهنگی با نظام هستی است.

عدالت در لغت به معنای مساوات، ضدجور وعدم افراط و تفریط می‌باشد و در اصطلاح عبارت است از رعایت استحقاق و شایستگی‌ها، تعریف عدالت به این معنا تعبیر رایج متفکران مسلمان می‌باشد لذا آنان عدالت را «إِعْطَاء كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّه» معنا نموده‌اند.

خداوند در آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه این گواهی به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! چراکه اگر آن‌ها غنیّ یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

از نگاه قرآن، تحقّق عدالت با قانون مداری پیوند ناگسستنی دارد، بر این اساس، قانون مداری از ضروریات اولیه حکمرانی دینی در مکتب اسلام است. قرآن نیز پیامبر را مأمور برپایی عدالت بر اساس قانون دانسته است:

۴– حق بر امنیت و رفاه عمومی:

امنیت در لغت مصدر جعلی از ریشه «ا م ن» به معنای در امان بودن، ایمنی، آسودگی و از بین رفتن هراس و نگرانی است و در اصطلاح سیاسی و حقوقی به معنای در امان بودن از هرگونه تهدیدو مخاطرات جسمی و روحیمی باشد.

در نگاه قرآن تامین امنیت مردم از اهمیت خاصی برخوردار است، همچنان که آیه ۵۵ سوره مبارکه نور، امنیت را نعمتی از سوی خداوند و فرجامی حتمی برای مومنان صالح دانسته و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً» خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد خوف و ترس آن‌ها را، به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد.

به علاوه عبادت و پرستش خداوند در گرو حل مسائل و موضوعات اقتصادی و امنیتی است و مادام که امنیت و آرامش در جامعه حکمفرما نباشد نمی‌توان مردم را به عبادت و پرستش دعوت کرد. همچنان که آیات ۳ و ۴ سوره قریش می‌فرماید:

«فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَیْتِ، الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» پس به شکرانه این نعمت باید پروردگار این خانه را پرستش کنند. همان که آنان را از گرسنگی و قحطی نجات داد و سیرشان کرد و از ترس دشمنان نجات داد.

۵ – حق آزادی :

آزادی، مفهومی قابل ستایش است. دست‌یابی به آزادی و رهایی از قیدها و محدودیت‌ها، یکی از پر شورترین آرمان‌های بشر به شمار می‌آید. در شریعت اسلام آزادی به عنوان یکی از مفاهیم متعالی مورد توجه قرار گرفته است. با این توصیف، هیچ کس حق ندارد آزادی‌های مشروع افراد را از آنان سلب نماید و حاکم اسلامی باید با سیاست‌گذاری‌های درست و منطبق با مبانی و اصول، زمینه‌های لازم را برای تحقق «حق‌ها و آزادی‌ها» در جامعه فراهم آورد.

قرآن کریم برای انسان آزادی تکوینی قائل است زیرا انسان اساسا آزاد آفریده شده است و کسی نمی‌تواند این حق را از وی سلب نماید.

۶ – حق رفاه و آسایش :

رفاه مجموعه امکانات و شرایطی است که بعد از تأمین نیازهای اولیه طبیعی مانند غذا و مسکن و... برای افراد جامعه فراهم می‌شود تا با شرایط بهتری بتوانند زندگی نمایند.

خداوند متعال، حق بهره‌برداری از مواهب خدادادی را حق همه انسان‌ها می‌داند و مالکیت خصوصی از منابع طبیعی را تأکید می‌کند. همچنان که در آیه ۸۱ سوره طه می‌فرماید: «کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَ لا تَطْغَوْا فِیهِ فَیَحِلَّ عَلَیْکُمْ غَضَبِی وَ مَنْ یَحْلِلْ عَلَیْهِ غَضَبِی فَقَدْ هَوی»

از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید، ولی در آن طغیان نکنید که قهر و غضب من بر شما وارد خواهد شد و هر کس که قهر من او را بگیرد، قطعاً سقوط می‌نماید.

به علاوه آیه ۱۰ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «وَ لَقَدْ مَکَّنَّاکُمْ فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلْنا لَکُمْ فِیها مَعایِشَ قَلِیلًا ما تَشْکُرُونَ» و همانا ما تسلط و مالکیت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم.

با این توصیف حقّ بهره‌گیری از امکانات زمین، برای همه‌ی انسان‌ها ست و مخصوص گروه خاصّی نیست لذا حاکم اسلامی باید بسترهای لازم را برای تامین رفاه عمومی بین همه اقشار جامعه فراهم نماید.

نتیجه اینکه جامعه اسلامی در صورتی راه سعادت را طی می‌کند که حقوق شهروندی در آن بر اساس آموزه‌های قرآنی بوده و حاکم و مردم خود را پایبند به رعایت آن نمایند. بر این اساس جامعه‌ای که همه شهروندان آن از حقوق یکسان برخوردار بوده و از آزادی و امنیت و رفاه و عدالت بهره‌مند گردند جامعه‌ای سعادتمند تلقّی می‌گردد و شهروندان در آن احساس خشنودی و رضایت می‌نمایند.

۴. مبانی بین‌المللی و تطبیقی

در سطح جهانی، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) مهم‌ترین اسناد مرتبط با حقوق ملت و آزادی‌های مشروع هستند. این اسناد بر اصولی همچون آزادی بیان، حق دادخواهی، برابری در برابر قانون، و منع تبعیض تأکید می‌کنند.

ایران نیز با پذیرش این میثاق‌ها، تعهدات بین‌المللی مشخصی در زمینه حمایت از حقوق شهروندان بر عهده دارد. مقایسه تطبیقی با دیگر کشورها نشان می‌دهد که گرچه محدودیت آزادی‌ها در همه نظام‌های حقوقی وجود دارد، اما در کشورهای دموکراتیک، این محدودیت‌ها باید شفاف، ضروری و متناسب باشند. در ایران نیز آزادی‌ها با توجه به مبانی اسلامی و مصالح عمومی تعریف می‌شوند و همین امر موجب تفاوت در گستره و حدود آن‌ها می‌گردد.

در مجموع، مبانی نظری و مفهومی نشان می‌دهد که حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در ایران بر سه پایه اصلی استوارند:

۱. مبانی دینی و فقهی که بر کرامت انسان و رعایت عدالت تأکید دارد.

۲. مبانی حقوق عمومی که بر اصول حاکمیت قانون، تفکیک قوا و نظارت نهادها تکیه دارد.

۳. مبانی بین‌المللی که ایران را به رعایت استانداردهای جهانی در زمینه حقوق بشر متعهد می‌سازد.

بنابراین، برای تأمین و تضمین واقعی این حقوق، باید میان این سه حوزه تعادل ایجاد شود تا حقوق ملت از مرحله شناسایی در متون حقوقی، به مرحله اجرا و تحقق عینی در جامعه منتقل گردد.

سازوکارهای نهادی تأمین حقوق ملت

تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع صرفاً با شناسایی آن‌ها در قانون اساسی تحقق نمی‌یابد، بلکه وجود سازوکارهای نهادی کارآمد برای اجرای این حقوق ضرورتی انکارناپذیر است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از نهادهای حکومتی و نظارتی، هر یک به نحوی مسئولیت صیانت از این حقوق را بر عهده دارند. بررسی نقش و کارکرد این نهادها نشان می‌دهد که تحقق عملی حقوق ملت در گرو عملکرد هماهنگ و مستقل آن‌هاست.

نخستین نهاد اساسی در این زمینه، قوه مقننه است. مجلس شورای اسلامی به‌عنوان رکن قانون‌گذاری کشور وظیفه دارد با تصویب قوانین شفاف و منطبق بر قانون اساسی، زمینه بهره‌مندی مردم از حقوق خویش را فراهم آورد. علاوه بر این، مجلس با استفاده از ابزارهای نظارتی همچون سؤال، استیضاح و تحقیق و تفحص، می‌تواند بر عملکرد سایر قوا نظارت کرده و از نقض حقوق ملت جلوگیری کند. از این رو، کارآمدی و استقلال مجلس در تضمین آزادی‌های مشروع نقشی تعیین‌کننده دارد.

قوه مجریه به‌عنوان نهاد اجرا و اداره امور کشور نیز نقشی مستقیم در تحقق حقوق ملت ایفا می‌کند. دولت با سیاست‌گذاری و اجرای قوانین، مسئولیت تأمین خدمات عمومی از جمله آموزش، بهداشت، اشتغال و امنیت اجتماعی را بر عهده دارد. نحوه عملکرد

دستگاه‌های اجرایی در رعایت اصل شفافیت، پاسخگویی و ارائه خدمات عادلانه، تأثیر مستقیم بر میزان تحقق حقوق شهروندان دارد.

در کنار این دو قوه، قوه قضاییه به‌عنوان مرجع نهایی احقاق حق، جایگاهی ویژه در حمایت از آزادی‌های مشروع دارد. دادگاه‌ها، دادسراها و به‌ویژه دیوان عدالت اداری از مهم‌ترین سازوکارهای قضایی در این زمینه محسوب می شوند. دیوان عدالت اداری با صلاحیت رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات و اقدامات اداری، نقش مهمی در جلوگیری از نقض حقوق شهروندان ایفا می‌کند. به علاوه، نظارت کلی قوه قضاییه بر حسن اجرای قوانین و وظیفه آن در رسیدگی به تخلفات مقامات و کارکنان حکومتی، ابزار مهمی برای تضمین حقوق ملت است.

از دیگر نهادهای مؤثر، شورای نگهبان است که وظیفه انطباق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی و همچنین نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد. هرچند نقش این شورا در تضمین حقوق ملت همواره مورد بحث و نقد قرار گرفته است، اما در اصل می‌تواند به‌عنوان ضامن هماهنگی قوانین عادی با اصول بنیادین قانون اساسی و در نتیجه حمایت از حقوق ملت عمل کند.

علاوه بر نهادهای فوق، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات نیز در زمره نهادهای نظارتی قرار دارند که با هدف پیشگیری از تخلف و سوءاستفاده از قدرت، می‌توانند در صیانت از حقوق مردم مؤثر باشند. سازمان بازرسی کل کشور بر اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اجرایی نظارت می‌کند و دیوان محاسبات وظیفه دارد از هزینه صحیح منابع مالی عمومی دفاع کند. این نظارت‌ها در نهایت با هدف حمایت از حقوق شهروندان و جلوگیری از تضییع اموال عمومی انجام می‌گیرد.

در کنار نهادهای حکومتی، نهادهای مدنی و رسانه‌ها نیز به‌عنوان بخشی از سازوکارهای نهادی جامعه نقش مکمل ایفا می‌کنند. با افزایش آگاهی عمومی، فرهنگ مطالبه‌گری و شفاف‌سازی فعالیت‌های حاکمیتی، این نهادها می‌توانند در ارتقای جایگاه حقوق ملت مؤثر باشند. هرچند جایگاه حقوقی این نهادها در ایران نسبت به نهادهای رسمی محدودتر است، اما در عمل نقش مهمی در جلب توجه عمومی و ایجاد فشار اجتماعی برای رعایت حقوق شهروندان دارند.

در مجموع، می‌توان گفت سازوکارهای نهادی تأمین حقوق ملت در ایران مجموعه‌ای گسترده از نهادهای حکومتی و اجتماعی را دربر می‌گیرد که هر یک در سطحی از قانون‌گذاری، اجرا، قضاوت و نظارت مسئولیت دارند. تحقق واقعی حقوق ملت زمانی امکان‌پذیر است که این نهادها با استقلال، شفافیت و هماهنگی کامل عمل کرده و از هرگونه رویکرد شکلی و صوری فراتر روند.

الزامات تحقق و تضمین حقوق ملت

تحقق حقوق ملت و آزادی‌های مشروع تنها با شناسایی آن‌ها در قانون اساسی یا سایر متون قانونی ممکن نیست، بلکه نیازمند مجموعه‌ای از الزامات حقوقی، نهادی، فرهنگی و سیاسی است که به‌صورت هماهنگ و مؤثر عمل کنند. بررسی این الزامات نشان می‌دهد که هرگونه ضعف در یکی از این حوزه‌ها می‌تواند مانع اجرای عملی حقوق شهروندان شود.

۱. الزامات حقوقی

از مهم‌ترین الزامات تحقق حقوق ملت، وجود قوانین شفاف، دقیق و منطبق با قانون اساسی است. قوانین باید به گونه‌ای تدوین شوند که شهروندان بتوانند حقوق خود را مطالبه کنند و نهادهای اجرایی نیز موظف به رعایت آن‌ها باشند. تصویب قوانین حمایتی از آزادی‌های مشروع، همچون آزادی بیان، آزادی اجتماعات، حق انتخاب شغل و حق مالکیت، و همچنین تعیین محدودیت‌های قانونی تنها در چارچوب ضروری، متناسب و شفاف، از جمله پیش‌شرط‌های اساسی در تضمین حقوق شهروندان است. علاوه بر این، دسترسی آسان به عدالت و امکان شکایت قانونی، ابزار حیاتی برای دفاع از حقوق ملت و جبران خسارت ناشی از تضییع آن‌ها محسوب می‌شود.

۲. الزامات نهادی

نهادهای حاکمیتی، قضایی و نظارتی باید مستقل، پاسخگو و کارآمد باشند تا بتوانند بدون فشارهای سیاسی یا اقتصادی از حقوق مردم صیانت کنند. سازوکارهای نظارتی مانند دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات، باید عملکرد دستگاه‌های اجرایی را به‌طور مستمر و واقعی رصد کنند. همچنین، هماهنگی میان قوای سه‌گانه و نهادهای مدنی ضروری است؛ فقدان هماهنگی باعث تداخل وظایف یا ایجاد خلا قانونی می‌شود که حقوق مردم را تهدید می‌کند.

۳. الزامات فرهنگی و اجتماعی

آگاهی عمومی و آموزش حقوق شهروندی نقش اساسی در تحقق عملی حقوق ملت دارد. شهروندانی که از حقوق خود اطلاع دارند، می‌توانند در برابر تضییع حقوق خود واکنش نشان دهند و از نهادهای قانونی مطالبه کنند. علاوه بر این، فعال بودن جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل موجب ایجاد شفافیت و ارتقای پاسخگویی نهادهای حکومتی می‌شود و به‌طور غیرمستقیم حقوق ملت را تضمین می‌کند.

۴. الزامات سیاسی

فضای سیاسی و اجتماعی امن و پاسخگو بودن مسئولان از دیگر پیش‌شرط‌های مهم است. مدیران و مقامات حکومتی باید در قبال تصمیمات و اقدامات خود پاسخگو باشند و مردم از عملکرد آن‌ها مطلع شوند. فقدان پاسخگویی ، عملی شدن حقوق ملت و آزادی‌های مشروع را با محدودیت جدی مواجه می‌کند.

به‌طور کلی، تحقق و تضمین حقوق ملت مستلزم ترکیبی از الزامات حقوقی، نهادی، فرهنگی و سیاسی است که به صورت هماهنگ عمل کنند. قوانین شفاف، نهادهای مستقل و هماهنگ، آگاهی عمومی و پاسخگویی مدیران، همه باید دست‌به‌دست هم دهند تا حقوق ملت از مرحله شناسایی در قانون به مرحله اجرا و تحقق عملی برسد. بدون تحقق این الزامات، حقوق ملت تنها به صورت صوری باقی مانده و تضمین واقعی آن‌ها ممکن نخواهد بود.

چالش‌ها و موانع موجود در تحقق حقوق ملت

۱. کاستی‌های قانونی و حقوقی

ابهام و تناقض قوانین:

بعضی از قوانین داخلی دارای ابهام یا تناقض هستند و این امر موجب سردرگمی شهروندان و نهادها می‌شود. گاهی محدودیت‌های آزادی‌ها به صورت کلی و غیرشفاف تعیین شده‌اند، در نتیجه مرز میان حقوق مشروع و ممنوعه مشخص نیست.

۲. ضعف‌های نهادی و اجرایی

استقلال محدود نهادها؛ برخی از نهادهای نظارتی و قضایی ممکن است تحت تأثیر فشارهای سیاسی یا اقتصادی قرار گیرند، که این امر مانع اجرای واقعی حقوق ملت می‌شود.

کمبود هماهنگی میان نهادها؛ فقدان هماهنگی میان قوای سه‌گانه، نهادهای نظارتی و دستگاه‌های اجرایی باعث می‌شود مسئولیت‌ها ناقص انجام شود و خلاهای قانونی یا اجرایی به وجود آید.

ضعف نظارت و پاسخگویی؛ نبود سازوکارهای مؤثر برای پایش عملکرد نهادها و پاسخگویی مدیران موجب می شود حقوق مردم نادیده گرفته شود یا تضییع گردد.

۳. موانع فرهنگی و اجتماعی

آگاهی محدود مردم از حقوق خود؛ بسیاری از شهروندان نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع آگاهی کافی ندارند و نمی‌دانند چگونه می‌توانند آن‌ها را مطالبه کنند.

فرهنگ پایین مطالبه‌گری و مشارکت مدنی؛ نبود فرهنگ مطالبه‌گری و کم‌کاری جامعه مدنی باعث می‌شود که مردم نتوانند نهادها را وادار به پاسخگویی کنند.

ضعف رسانه‌ها و شفافیت اطلاعات؛ محدودیت در جریان آزاد اطلاعات و ضعف رسانه‌های مستقل، مانع از آگاهی عمومی و فشار اجتماعی لازم برای رعایت حقوق ملت می‌شود.

فقدان پاسخگویی مقامات؛ وقتی مدیران و مقامات مسئول عملکرد خود نباشند، هیچ تضمینی برای احترام عملی به حقوق ملت وجود ندارد.

۴. چالش‌های اقتصادی و اجتماعی

تأثیر مشکلات اقتصادی بر حقوق اجتماعی و اقتصادی؛ عدم تحقق عدالت اقتصادی، بیکاری و کمبود امکانات عمومی، خود باعث محدودیت عملی حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان می‌شود.

تأثیر نابرابری‌ها؛ نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای، دسترسی برابر شهروندان به حقوق و آزادی‌ها را کاهش می‌دهد.

در مجموع، چالش‌ها و موانع تحقق حقوق ملت در ایران متنوع و چندلایه‌اند. این موانع می‌توانند حقوق و آزادی‌ها را از مرحله شناسایی قانونی به مرحله اجرا و تحقق عملی بازدارند. ضعف قوانین، نقص در عملکرد نهادها، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، فشارهای سیاسی و مشکلات اقتصادی، همه از عواملی هستند که لازم است با سیاست‌گذاری درست، اصلاحات قانونی و ارتقای آگاهی عمومی رفع شوند تا حقوق ملت به شکل واقعی تضمین شود.

راهکارها و پیشنهادها

۱. اصلاحات قانونی

بازنگری و شفاف‌سازی قوانین موجود؛ قوانینی که ابهام دارند یا محدودیت‌های آزادی‌ها را به‌صورت غیرشفاف تعیین کرده‌اند، باید بازنگری شوند تا حقوق مردم به وضوح مشخص شود.

تدوین قوانین حمایتی جدید؛ تصویب قوانین جدید که از آزادی‌های مشروع، حقوق اقلیت‌ها و حق دسترسی به اطلاعات حمایت کنند، ضروری است.

۲. تقویت نهادهای نهادی

ا ستقلال بی شتر نهادهای ق ضایی و نظارتی؛ ا ستقلال و قدرت واقعی نهادهایی مانند قوه ق ضاییه، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات، نقش کلیدی در جلوگیری از تضییع حقوق ملت دارد.

افزایش هماهنگی میان نهادها؛ ایجاد سازوکارهای هماهنگ میان قوای سه‌گانه و نهادهای نظارتی و مدنی موجب اجرای مؤثر قوانین و تحقق حقوق شهروندان می‌شود.

پاسخگویی و شفافیت مدیران؛ الزامی کردن گزارش‌دهی دوره‌ای مدیران به مردم و ایجاد نهادهای مستقل نظارت، تضمین‌کننده رعایت حقوق ملت است.

۳. ارتقای فرهنگ حقوق شهروندی و جامعه مدنی

آموزش حقوق شهروندی؛ آموزش و اطلاع‌رسانی در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، موجب افزایش آگاهی عمومی و توانمندسازی مردم در مطالبه حقوق خود می‌شود.

تقویت جامعه مدنی و رسانه‌ها؛ حمایت از انجمن‌های مدنی، **NGO**ها و رسانه‌های مستقل، می‌تواند با ایجاد شفافیت و فشار اجتماعی، ضمانت اجرایی حقوق مردم را افزایش دهد.

ترویج فرهنگ مشارکت و مطالبه‌گری؛ تشویق مردم به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، نظارت بر عملکرد نهادها و پیگیری قانونی حقوق خود، به تحقق عملی آزادی‌ها کمک می‌کند.

۴. تضمین حقوق اقتصادی و اجتماعی

کاهش نابرابری‌ها؛ اقدامات مؤثر برای کاهش فاصله طبقاتی و منطقه‌ای، دسترسی عادلانه به حقوق اقتصادی و اجتماعی را تضمین می‌کند.

تقویت رفاه اجتماعی و خدمات عمومی؛ توسعه آموزش، بهداشت، اشتغال و سایر خدمات عمومی موجب می‌شود مردم بتوانند از حقوق اقتصادی و اجتماعی خود بهره‌مند شوند.

۵. بهره‌گیری از تجربه تطبیقی

مطالعه تجارب کشورهای موفق؛ بررسی و اقتباس از تجربه کشورهای دموکراتیک در زمینه قوانین، نهادها و نظارت بر حقوق ملت، می‌تواند الگوی عملی و کارآمد برای ایران فراهم کند.

ایجاد سازوکارهای ارزیابی و بهبود مستمر؛ بازنگری دوره‌ای در قوانین و نهادها با توجه به بازخوردهای اجتماعی و تجربیات بین‌المللی، از اجرای ناقص حقوق ملت جلوگیری می‌کند.

راهکارهای پیشنهادی نشان می‌دهند که تحقق و تضمین حقوق ملت نیازمند اقدام همزمان در سطوح قانونی، نهادی، فرهنگی و اجتماعی است. اصلاح قوانین، تقویت استقلال نهادها، افزایش آگاهی عمومی و توسعه جامعه مدنی، کاهش نابرابری‌ها و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی، همگی مکمل یکدیگر هستند و می‌توانند شرایطی فراهم کنند که حقوق ملت و آزادی‌های مشروع تنها در حد نظری باقی نمانند و به شکل عملی و واقعی تحقق یابند.

نتیجه‌گیری

تحقق و تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع، مسئله‌ای چندبعدی است که نیازمند اقدام هماهنگ در سطوح قانونی، نهادی، فرهنگی و سیاسی است. قوانین شفاف، نهادهای پاسخگو و مستقل، جامعه آگاه و فعال، و محیط اقتصادی و سیاسی مساعد، پیش‌شرط‌های اساسی تحقق عملی حقوق ملت هستند.

منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه فصل سوم (حقوق ملت).

۲. عمید زنجانی، عباسعلی. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.

۳. هاشمی، سید محمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول و دوم. تهران: میزان.

۴. کاتوزیان، ناصر. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۵. قاضی، سید فضل‌الله. آزادی‌های عمومی در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶. نجفی، علی. «جایگاه حقوق ملت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه حقوق اساسی، شماره‌های مختلف.

۷. عابدی، حسین. «بررسی تطبیقی آزادی‌های مشروع در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر». مجله پژوهش حقوق.

۸. فاضلی، محمود. «حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی.

۱. **Universal Declaration of Human Rights (UDHR, ۱۹۴۸) –**

۲. **International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR, ۱۹۶۶).**

۳. **International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR, ۱۹۶۶).**

۴. **Ann Kent, Beyond Compliance: China, International Organizations, and Global Security. Stanford University Press.**

۵. **Jack Donnelly, Universal Human Rights in Theory and Practice. Cornell University Press.**

۶. **David Beetham, Democracy and Human Rights. Polity Press.**